

پیشینه ی ستایش حضرت علی (ع) در شعر فارسی

نویسنده: مصطفی منصف

کلمات کلیدی:

ستایش حضرت علی(ع)، شاعران شیعه ، کسایی مروزی ، فردوسی، حکیم میسری، ابن حسام خوسفی

بعد از رحلت پیامبر گرامی اسلام (ص) و بروز تدریجی اختلاف در بین مسلمانان ، شماری از شاعران تازی در تأیید مقام ،توصیف و منقبت امیرمؤمنان و فرزندان بزرگوارش اشعار گرانسنگی پرداختند که بزرگانی چون فرزدق ، دعبل ، کمیت و ... از آن جمله‌اند[1].

در زبان فارسی نیز شاعران فراوانی زبان به ستایش مولای متقیان گشوده‌اند ؛ که می‌توان مجموعه‌های ارزشمندی از آن اشعار فراهم آورد؛ اما پرسش این جاست که اولین شاعرپارسی زبان که در ستایش علی (ع) شعر گفته است کیست ؟ پاسخ به این سوال البته چندان آسان نیست . به خصوص که می‌دانیم عوامل متعددی نام بسیاری از شاعران قرون اولیه را پوشانده است و دست بیداد روزگار صحیفه ی اشعارشان را شسته [2]. در عین حال با جستجو در تذکره‌ها و دواوین شعرای متقدم می‌توان به نتایجی رسید که شاید برای جویندگان آینده چراغ راهی باشد .

از میان شاعران قرن سوم رودکی و شهید بلخی نخستین یاد کردها را از علی (ع) دارند . شهید بلخی (م : 325) گفته است :

ابر چون چشم هند بنت عتبه است برق مانند ذوالفقار علی [کذا] [3]

و رودکی (م : 329) سروده است :

ای شاه نبی سیرت ایمان تو محکم ای میر علی حکمت عالم به تو در غال

و

کسی را که باشد به دل مهر حیدر شود سـرخ رو در دو گیتی بـه آور[4]

چنان که می‌بینیم ، این جا سخن در ستایش مستقیم حضرت علی (ع) نیست ، بلکه تلاش شاعران تنها برای ساختن تشبیهاتی است که بر زیبایی شعر بیفزاید و یا مدح پادشاه و امیری را تقویت کند . مضمون بیت آخر نیز تنها ستایش دوستدار و محبّ علی (ع) است .

ناصر خسرو (م : 481) در بیتی که خویش را می‌ستاید ، چنین می‌گوید :

جان را ز بهر مدحت آل رسول گه رودکی و گاهی حسان کنم [5]

از این بیت مستفاد می‌شود که رودکی (م : 329) از نخستین شاعران ستایش‌گر اهل بیت پیامبر و حضرت علی (ع) بوده است و در قرن پنجم بدین صفت شهرت داشته . اما افسوس که آن گهرهای تابناک از گزند حوادث مصون نمانده و به دست ما نرسیده است .

در قرن چهارم نام سه تن از شاعرانی که مدحتگر علی (ع) بوده‌اند جلب نظر می‌کند : حکیم

فردوسی طوسی (329-411)، حکیم کسایی مروزی (؟-341) و حکیم میسری (؟-324) [6]

از حکیم طوس ایباتی در دست است که نشان از علاقه ی مفرط و اعتقاد او به علی (ع) است چنان که تذکره‌نویسان یکی از علل مقبول نیفتادن شاهنامه را در نزد سلطان محمود سنی مذهب ، همین تشیع فردوسی و ستایش امیرمومنان می‌دانند . [7] نوشته مولف النقض در این باره خواندنی است : "... اما شعرای پارسیان که شیعی و معتقد و متعصب بوده‌اند ، هم اشارتی برود به بعضی . اولاً² فردوسی طوسی ، شیعی بوده است و در شاهنامه در مواضع به اعتقاد خود اشارت کرده است [8]..."

تا جایی که اطلاع داریم فردوسی در شاهنامه به شیعه بودن خود تصریح نکرده است ، ولی در چند جا به ستایش خالصانه ی علی (ع) پرداخته است که خود نوعی تظاهر به تشیع است . با این توصیف آیا مولف النقض (تالیف شده در سال 560 هـ ق) تلویحا² فردوسی را اولین شاعر مداح علی (ع) نمی داند ؟

در چهار مقاله نظامی عروضی آمده ".... و بر رفض او [فردوسی] این بیت ها دلیل است که او گفت :

خردمند گیتی چو دریا نهاد	برانگیخته موج ازو تندباد
چو هفتاد کشتی در او ساخته	همه بادبان ها بر افراخته
میانه یکی خوب کشتی عروس	برآراسته همچو چشم خروس
پیمبر بدو اندرون با علی	همه اهل بیت نبی و وصی
اگر خلدخواهی به دیگر سرای	به نزد نبی و وصی گیر جای
گرت زین بد آید گناه من است	چنین دان و این راه ، راه من است
بر این زادم و هم بر این بگذرم	یقین دان که خاک پی حیدرم [9]

در شاهنامه علاوه بر ابیات مذکور بیت های دیگری نیز آمده است که گواه صادقی بر این مدعاست :

خردمند کز دور دریا بدید	کرانه نه پیدا و بن ناپدید
بدانست کاو موج خواهد زدن	کس از غرق بیرون نخواهدشدن
به دل گفت اگر با نبی و وصی	شوم غرقه دارم دو یار وفی

همانا که باشد مرا دستگیر خداوند تاج و لوا و سریر

خداوند جوی می و انگبین همان چشمه شیر و ماء معین ...

دلت گر به راه خطا مایل است تو را دشمن اندر جهان خود دل است

نباشد جز از بی پدر دشمنش که یزدان به آتش بسوزد تنش

هر آن کس که در دلش بغض علی است ازو زارتر در جهان زار کیست ... [10]

همچنین در هجونامه ی معروفی که گفته‌اند فردوسی برای محمود ساخت به ابیات چندی بر می‌خوریم که در ستایش علی (ع) است :

مرا غمز کردند کان پرسخن به مهر نبی و علی شد کهن

منم بنده ی اهل بیت نبی ستاینده ی خاک پاک وصی

من از مهر این هر دو شه نگذرم اگر تیغ شه بگذرد بر سرم

مرا سهم دادی که در پای پیل تنت را بسایم چو دریای نیل

نترسم که دارم ز روشن دلی به دل مهر جان نبی و علی [11]

با این مقدمه ی طولانی می‌توان گفت که فردوسی ، بی‌تردید از نخستین شاعرانی است که در منقبت امیرمومنان علی (ع) شعر گفته است . اما آیا او اولین مدحتگر علی (ع) در زبان فارسی است ؟

حکیم کسایی مروزی که معاصر فردوسی است و تنها دوازده سال از او کوچکتر است ، اولین شاعری است که شعری مستقل و در قالب قصیده در مدح علی (ع) پرداخته است . مولف کتاب النقص درادامه ی معرفی شاعران شیعی می‌نویسد : " فخری جرجانی شاعری (= شیعی) بوده است و در [باره] ی کسایی خود خلاقی نیست که همه دیوان او مدایح و مناقب مصطفی و آل مصطفی است علیه و علیهم السلام " [12]

از زندگی و اشعار فخری جرجانی اطلاعی نداریم [13] اما در میان اشعار موجود کسانی دو شعر -
 یک قطعه و یک قصیده - در مدح علی (ع) به چشم می‌خورد که ابیاتی از آن دو را در این جا می‌آوریم ،
 اما پیش از آن سخنی را از استاد عباس اقبال نقل می‌کنیم که موید این نظر است :

" کسانی از شعرای بزرگوار بوده ... و اشعاری هم که از او مانده بیشتر در زهد و موعظه است و تا حدی
 که خبر داریم از اولین گویندگانی است که در خراسان صریحاً امیرالمومنین علی و اهل بیت او را مدح
 کرده است " [14]

قطعه

مدحت کن و بستای کسی را که بستود و ثنا کرد و بدو داد همه کار
 پیمبر

آن کیست بدین حال و که بوده است و که باشد جز شیر خداوند جهان حیدر
 کرار

این دین هدی را به مثل پیغمبر ما مرکز و حیدر خط
 دایره‌ای دان پرگار

علم همه عالم به علی چون ابر بهاری که دهد سیل به گلزار
 داد پیمبر [15]

قسمتی از قصیده

فهم کن گر مومنی فضل فضل حیدر ، شیر یزدان ، مرتضای پاک‌دین
 امیرالمومنین

فضل آن کس کز پیمبر بگذری فاضل تر اوست فضل آن رکن مسلمانی امام‌المتقین
 [16]...

این قصیده 23 بیت است و در ضمن آن به تاریخ سرودن شعر (380 هـ. ق.) چنین اشاره شده است :

سیصد و هفتاد سال از وقت پیغمبر گذشت

سیر شد منبر ز نام و خوی تکسین و تگین

شاعر دیگری که در این سالها می زیست و قابل ذکر است ، اما در تذکرها تقریباً ذکری از او به میان نیامده ، حکیم میسری است .اولین بار ژیلبر لازار محقق فرانسوی با معرفی مثنوی² دانش نامه "ی میسری ایرانیان فرهنگ دوست را شادمان کرد . مثنوی مذکور در علم طب و نزدیک به پنج هزار بیت است . نسخه ی منحصر به فرد آن در کتابخانه ملّی پاریس موجود است .

حکیم میسری این مثنوی را در بین سالهای 367 تا 370 هـ. ق. سروده است .[17]

در دانش نامه به صراحت علی (ع) و حضرت فاطمه (س) و امام حسن (ع) و امام حسین (ع) ستوده شده اند :

دروزش بر علی هرچ آن نکوتــــ	و بر جفت وی آن پاکیزه دختر
پس آن گه بر حسین و بر حسن بر	به فرزندان ایشان تن به تن بر [18]

دوباره پرسش آغازین بحث را تکرار می کنیم که قدیمترین شاعر مدحتگر علی (ع) در زبان فارسی کیست ؟ و برای پاسخ به این سوال چند دانسته را کنار هم می گذاریم :

1- فردوسی در سال 329 هـ. ق. متولدشده و از سال 370 هـ. ق. سرودن شاهنامه را آغاز کرده است .

2- کسایی در سال 341 به دنیا آمده و در اواخر عمر به اشعار پندآمیز و منقبت سرایی روی آورده است . نیز قصیده ای را که ذکر آن گذشت در سال 380 هـ. ق سروده است .

3- حکیم میسری در سال 324 متولد شده و مثنوی دانش‌نامه را در بین سالهای 367 تا 370

سروده است. [19]

بدین ترتیب اعداد گواهی می‌دهند که به احتمال قوی سروده ی میسری قدیمترین ستایش منظوم علی (ع) به زبان پارسی است که بر جای مانده است. [20] هر چند حکیم کسایی هنوز به عنوان اولین قصیده‌سرای مدحتگر امیرالمومنین علی (ع) مطرح است و ارادت فردوسی به آستان علی (ع) بر هیچ کس پوشیده نیست .

شاعران قرن پنجم نیز گاه‌گاه برای عرضه نمونه برتر و ساختن مضمون و ستایش ممدوحان خود از نام و کردار علی (ع) سود می‌جستند - که این خود ستایش غیرمستقیم تواند بود - اما در میان گویندگان این سده نام ناصر خسرو قبادیانی (394-481) به عنوان ستایشگری که گاه فصایدی کامل در مدح آن امیر دلیر پرداخته است جلب نظر می‌کند. آوازه ی او به حدی است که نام شاعران دیگری چون غضایری رازی (م : 425) - که از شیعیان ری و ستایشگر معروف علی (ع) بود [21]- در بوته ی نسیان مانده است .

حکیم ناصر خسرو قبادیانی از پیشگامان شعر مذهبی است و از نخستین شاعرانی است که برای کسب صله و حصول خوش آمد حاکمان دین‌پایه شاعری نکرده است ، بلکه شعر را به کلی در خدمت دین و تبلیغ عقیده و در دفاع از مذهب خود قرار داده است. او در این راه آزار و اذیت فراوان دید و از اهل تعصب رنج‌ها کشید .

در دیوان وی که از شیعیان اسماعیلی است ، حتی یک بیت در مدح پادشاهان و امرا دیده نمی‌شود [22]. خوشبختانه درباره ی زندگی و آثار ناصر خسرو تحقیقات ارزشمندی شده و ما را از این کار بی‌نیاز می‌کند . از میان اشعار فراوان او که به شکل‌های گوناگون به مدح علی (ع) پرداخته است . قسمتی از یک قصیده ی 47 بیتی را با ردیف علی (ع) می‌آوریم :

در قرن ششم شاعران دیگری سعادت ستایش امیرالمومنین علی (ع) را یافته‌اند. یکی از آن‌ها قوامی رازی و دیگری ابوالمعالی رازی است که هر دو شیعه بوده‌اند. مرحوم دکتر ذبیح‌الله صفا معتقد است که مناقب خوانان شیعه از قرن ششم به بعد اشعار شاعران شیعی به ویژه قوامی رازی را در مجالس و معابر می‌خوانده‌اند. [24]

از ابوالمعالی رازی نیز قصیده‌ای با مطلع

خروش من همه از چیست از نعیق غراب که دور ساخت مرا از دیار و از احباب [25]

موجود است که در آن به ستایش علی (ع) و آل او پرداخته است.

مؤلف کتاب النقص نیز از شاعران دیگری همچون اسعدی قمی، عبدالملک بنان، خواجه علی‌متکلم‌رازی، احمدچه رازی، خواجه ناصحی، قائمی، معینی، بدیعی، امیراقبالی، ظهیری، بردی، شمسی، فرقدی، مستوفی، محمد سمان، سید حمزه جعفری و ... نام می‌برد و آن‌ها را شیعه و مداح اهل بیت می‌شمرد. اما از زمان حیات، احوال و اشعار اغلب آن‌ها در تذکره‌ها ذکر شده میان نیامده است و گویا از معاصران مؤلف بوده‌اند. [26]

بزرگترین شاعر قرن ششم که باید از او نام برد، حکیم سنایی غزنوی (م: 532) است. او را از دیگران متمایز می‌کنیم، چون در شعر او نکات خاص عقیدتی وجود دارد که علاقه و پابندی‌اش را به اهل بیت (ع) کاملاً تأیید می‌کند [27]. به علاوه سنایی نخستین شاعری است که داستان‌هایی از زندگی حضرت علی (ع) را به نظم کشیده است [28]. برای نمونه، عنوان برخی از داستان‌ها را که در حدیقه‌الحقیقه آمده است، برمی‌شمیریم: داستان جنگ جمل، داستان جنگ صفین و خدعه‌ی عمرو عاص درباره‌ی کشته‌شدن عمار یاسر، داستان شهادت علی (ع)، داستان عقیل و آهن تفته، داستان زره بدون پشت علی (ع)، داستان بالارفتن علی (ع) بر کتف پیامبر در فتح مکه و ... که هسته‌ی اصلی همه‌ی این‌ها بی‌همتایی علی (ع) است. نیز وی اشاره‌وار بسیاری از وقایع زندگی آن‌ها حضرت را در شعر خود آورده که ذکر آن در این مجال نمی‌گنجد. برای نمونه داستان زخمی‌شدن آن حضرت را در جنگ احد نقل می‌کنیم:

در احد میر حیدر کرار	یافت زخمی قوی در آن پیکار
ماند پیکان تیر در پایش	اقتضا کرد آن زمان رایش
که برون آرد از قدم پیکان	که همان بود مر ورا درمان
زود مرد جراحی چو بدید	گفت باید به تیغ باز برید
تا که پیکان مگر پدید آید	بسته زخم را کلید آید
هیچ طاقت نداشت با دم گاز	گفت بگذار تا به وقت نماز
چون شد اندر نماز حجامش	بیرید آن لطیف اندامش
جمله پیکان ازو برون آورد	و او شده بی خبر زناله و درد
چون برون آمد از نماز علی	آن مر او را خدای خوانده ولی
گفت کمتر شد آن الم چون است	وزچه جای نماز پر خون است ؟
گفت با او جمال عصر حسین	آن بر اولاد مصطفی شده زین
گفت چون در نماز رفتی تو	بر ایزد فراز رفتی تو
کرد پیکان برون ز تو حجام	باز ناداده از نماز سلام
گفت حیدر به خالق الاکبر	که مرا زین الم نبود خبر...[29]

در قرون بعد ذکر داستان‌های زندگی علی (ع) مورد توجه شاعران قرار گرفت و بزرگانی چون عطار ، مولوی ، امیرخسرو دهلوی و ... در این راه هنرنمایی کردند .

به جاست که از شاعر دیگری هم نام ببریم که در قرن ششم مبدع طریقه ی جدیدی در ادبیات فارسی بود و آن رشیدالدین و طواط (م : 573) است . از سالها پیش شاعران چندی به طور پراکنده بعضی از سخنان علی (ع) را به نظم آورده بودند. اما رشیدالدین و طواط در رساله‌ای مستقل صدسخن از کلمات قصار امام را " به دو زبان فارسی و تازی " تفسیر کرد و " در آخر تفسیر هر کلمه دو بیت شعر از منشآت خویش که مناسب آن کلمه " بود آورد و نام آن را مطلوب کل طالب من کلام علی بن ابی طالب نهاد [30]. بعدها شاعران دیگری به پیروی از رشیدالدین بعضی از سخنان امام (ع) ، پیامبر اکرم (ص) و دیگران را منظوم ساختند.[31]

پایان سخن را به معرفی اولین منظومه ی حماسی مختصّ علی (ع) اختصاص می‌دهیم .

تا آن جا که جستجو کرده‌ایم اولین منظومه ی حماسی مستقل که به شرح رشادت‌ها و شجاعت‌ها و جنگ‌های حضرت علی (ع) پرداخته است خاوران نامه ی ابن حسام خوسفی (م : 875) است . محمد بن حسام در کتاب مذکور تاریخ و افسانه را در هم آمیخته است[32]. موضوع کتاب سفرها و حملات منسوب به علی (ع) به سرزمین خاوران به همراهی مالک‌اشتر و ابوالمحجن و جنگ با قباد پادشاه خاورزمین و امیران دیگر است. نظم این حماسه نشان‌دهنده ی اخلاص شدید ایرانیان به امیرمومنان (ع) است . به گونه‌ای که خواسته‌اند آن حضرت را درصف پهلوانان ملی درآورند و از او شخصیتی برگزیده ی اساطیر بسازند .[33]

پی‌نوشت ها

[1] - البته این بدان معنا نیست که در زمان پیامبر (ص) شاعری حضرت علی (ع) راستایش نکرده است . چنان که می‌دانیم حسان بن ثابت ، واقعه ی غدیر خم و جانشینی علی (ع) را به شعر درآورده است . ر. ک : تعلیقات النقص ، ج 2/861 .

[2] - آیا قصه ی شسته‌شدن دیوان غضایری رازی به دست عنصری از این قبیل نیست ؟

[3] - اشعار پراکنده ی قدیم ترین شعرای فارسی زبان ، به کوشش ژیلبر لازار ، انجمن ایران شناسی فرانسه در تهران ، 1361، ص 36

[4] - محیط زندگی و احوال و اشعار رودکی ، سعید نفیسی، انتشارات امیرکبیر ، چاپ سوم ، صص 525 و 500 .

[5] - دیوان ناصر خسرو ، به تصحیح مجتبی مینوی - مهدی محقق ، انتشارات دانشگاه تهران ، چاپ چهارم / 372 .

[6] - منظور ما شاعرانی نیستند که از نام حضرت علی (ع) و وقایع زندگی ایشان تنها برای مضمون سازی و آرایه پردازی استفاده کرده اند .

[7] - تاریخ ادبیات در ایران ، ذبیح الله صفا ، انتشارات فردوس ، چاپ یازدهم ، 1370 ج 1/ 479 .

[8] - النقض ، نصیرالدین ابوالرشید عبدالجلیل قزوینی رازی ، تصحیح محدث ارموی ، انتشارات انجمن آثار ملی / 231 .

[9] - چهار مقاله ، نظامی عروضی ، تصحیح دکتر محمد معین ، امیرکبیر ، چاپ دهم / 78-79 .

[10] - شاهنامه ی فردوسی ، تصحیح ژول مول ، شرکت سهامی کتاب های جیبی ، چاپ سوم ج 1/ 8 و نیز ر . ک : شاهنامه ی فردوسی تصحیح محمد دبیر سیاقی ، انتشارات علمی ، چاپ سوم ج 1/ 6 .

[11] - تاریخ ادبیات در ایران ، ج 1 ص 480 و نیز شاهنامه ی فردوسی ، ژول مول ، دیباچه / 99 .

[12] - النقض / 231 .

[13] - مرحوم محدث ارموی نوشته اند : اگر منظور از فخری جرجانی ، فخرالدین اسعد گرگانی باشد در تذکرها به تشیع او تصریح نشده است و اگر مراد غیر او باشد برای ما حال او معلوم نیست. ر . ک : تعلیقات النقض ، ج 2/ 1005 .

[14] - مجموعه مقالات اقبال آشتیانی ، به اهتمام دبیرسیاقی / 177 .

[15] - کسای مروزى ، زندگى ، اندیشه و شعر او ، تالیف دکتر محمد امین ریاحی / 77 .

[16] - همان / 86-88 .

[17] - میسری در آغاز کتاب گفته است :

من این را گفتم اندر ماه شوال

به شصت و سیصد و هفت آمده سال

و در پایان کتاب گفته است :

به سال سیصد و هفتاد بودیم

کزین نامـه هـمى پردخته شوذیم

ر. ک ، دانش‌نامه در علم پزشکی به اهتمام دکتر برات زنجانی ، انتشارات دانشگاه تهران ، چاپ دوم ،
1373 ، صص 5 و 269 .

[18] - اشعار پراکنده / 181 . نکته جالب دیگر آن که در کتاب مذکور سخنی از حضرت علی (ع) نیز
به نظم کشیده شده است

علی نیز این به تازی باز رانـد

که مردم را بها چندان که داند

که ترجمه این حدیث است : قیمة کل امرء ما یحسنه ر . ک : اشعار پراکنده / 183

[19] - - میسری در پایان منظومه‌اش گفته :

من از دو بیست و دو سه برگزیدم

و دیوان جوانی برنوشتم

که با کسر 46 سال از 370 (سال اتمام کتاب) سال تولد وی (324) به دست می‌آید .

[20] - پاسخ به این پرسش که حکیم میسری شیعه بوده یا سنی ، چندان آسان نیست . وی در مقدمه کتابش جز علی (ع) نامی از خلفای دیگر نمی‌برد و تنها می‌سراید :

درویش بر محمد صد هزاران
پس آن گه بر همه فرخنده یاران

اما در پایان کتاب می‌گوید :

درویش صد هزاران بر پیمبر
خداوند لوا و تاج و منبر
ابربوکر و بر عمر و عثمان
که کردش او به ما بر جمع قرآن
ابر حیدر که باشد او چهارم
که هست این دوستی‌شان یادگارم [کذا]

اما آن چه مسلم است ارادت خاص او به علی (ع) و اهل بیت بر کسی پوشیده نیست .

[21] - از اشعار اوست :

مرا شفاعت این پنج تن بسنوده بود
که روز حشر بدین پنج تن رسانم تن
بهین خلق و برادرش و دختر و دو پسر
محمد و علی و فاطمه حسین و حسن

ر ک : تاریخ ادبیات در ایران ، ج 1/572 .

[22] - باید دانست که اشعاری از وی در مدح خلفای فاطمی در دست است که آن نیز در همین راستا قابل توجیه است .

[23] - دیوان ناصر خسرو / 184 ، ذکر این نکته نیز خالی از لطف نیست که ناصر خسرو اولین مولفی است که در دیباچه ی کتاب‌های نثر خود به صراحت و با ذکر نام ، حضرت علی (ع) را ستوده است . ر. ک : تحمیدیه در ادب فارسی ، غلامرضا ستوده ، ج 1/64 .

[24] - تاریخ ادبیات در ایران ، ج 2/193 .

[25] - همان / 601 .

[26] - ر.ک : النقض ، صص 231 و 232 و 577 .

[27] - برای مثال در دیوان سنایی قصیده‌ای در مدح امام رضا (ع) با مطلع :

دین را حرمی است در خراسان دشوار تو را به محشر آسان

وجود دارد که در آن لازمه‌ی توحید را ولایت می‌داند . ر.ک : دیوان سنایی غزنوی ، به اهتمام مدرس رضوی ، کتابخانه‌ی سنایی ، چاپ سوم / 451 (با سپاس فراوان از استاد عزیزم ، دکتر محمود عابدی که این نکته را به من گوشزد کردند) .

[28] - گویا پیش از سنایی ناصر خسرو هم ، داستان‌هایی از زندگانی علی (ع) را ، اشاره‌وار ، به نظم کشیده است .

[29] - حدیقه‌الحقیقه ، تصحیح مدرس رضوی ، انتشارات دانشگاه تهران ، چاپ چهارم / 140 .

[30] - مطلوب کل طالب ، رشیدالدین وطواط ، تصحیح و تعلیقات دکتر محمود عابدی ، بنیاد نهج‌البلاغه / 64 .

[31] - همان / 20 .

[32] - گویا در قرن ششم مناقب خوانان مغازی حضرت علی (ع) را در کوی و برزن می‌خوانده‌اند ، اما اکنون از آن اشعار چیزی در دست نداریم ، ر.ک ، النقض / 34-35 .

[33] - ر.ک : حماسه‌سرایی در ایران ، ذبیح‌الله صفا ، انتشارات امیرکبیر ، چاپ چهارم / 8-377 .